

بررسی راهکارهای اسلام برای تامین امنیت اقتصادی زن

سحر قائمی نژاد^۱

چکیده

این مقاله با هدف شناسایی بررسی راهکارهای اسلام برای تامین امنیت اقتصادی زن تنظیم و در آن تلاش گردیده تا به این سوال پاسخ داده شود که اسلام برای تامین امنیت اقتصادی زن چه راهکارهایی را در نظر گرفته است؟ این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی می باشد و روش به کار رفته در آن کتابخانه ای بوده است. ابزار به کار رفته در جهت جمع آوری داده ها، فیش و تحلیل داده ها با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. از مهم ترین نتیجه این مطالعه می توان به این مسئله پرداخت که فقه شیعه سه مبحث مهریه، نفقه و ارث را به عنوان منبعی برای اقتصاد زنان معرفی نموده است و برای اثبات هر کدام به آیات و روایات متعددی اشاره شده است. همچنین به این مسئله نیز اشاره شده که مهریه انواع متعددی دارد و فرقی ندارد کدام را انتخاب کنند زیرا در هر صورت مهریه به خود زن تعلق می گیرد، نه پدر و بستگانش.

کلیدواژگان: امنیت، اقتصاد، اسلام، زن

^۱ - طلبه سطح دو حوزه علمیه کوثر (س) علی آبادکتول

خانواده قدیمی‌ترین، مهم‌ترین و کوچک‌ترین جامعه انسانی است، که هنوز در مقابل تهاجمات گسترده مقاومت کرده و جوامع را برای یافتن جانشین به جای خود عاجز کرده است. تأثیر و تأثرات عمیق این نهاد مهم در جامعه به گونه‌ای است که متفکران یکی از علل اساسی توسعه بسیاری از جرایم در جامعه را سستی این نهاد مهم می‌دانند. متأسفانه امروزه، خانواده دچار تلاطم و تحولات بسیاری گشته و عمده این تنش‌ها به محور اصلی خانواده و زنجیر اتصال اعضای آن یعنی زن باز می‌گردد.

نگاه واقع‌بینانه اقتضا می‌کند امنیت مالی زن در حفظ آرامش وی درون خانواده تأثیر بسیاری داشته و باعث حفظ یکپارچگی و ثبات خانواده می‌شود؛ زیرا می‌توان شواهد فراوانی یافت که عدم آرامش روانی زن به دلیل فقر مالی و عدم امنیت اقتصادی به ویژه پس از طلاق یا پس از مرگ شوهر او را به قهقرا کشانده و در نتیجه موجب از هم پاشیدگی خانواده می‌گردد و تمام عوامل آسیب‌زا را به خانواده تحمیل می‌نماید، لذا پرداختن به چنین مسئله‌ای برای حفظ خانواده و جامعه ضروری می‌باشد.

درباره پیشینه موضوع باید به این نکته اشاره کرد که تاکنون هیچ اثری مشابه با موضوع مقاله حاضر نگاشته نشده است، لکن می‌توان به آثار مرتبط اشاره نمود، همچون «مقایسه تطبیقی دو رویکرد مکتب اسلام و فمینیسم به تأمین امنیت اقتصادی زنان» اثر زهرا صابری، مقاله دیگری با عنوان «بررسی شاخص‌های تأمین امنیت اقتصادی» اثر توحید شوطی، مقاله «الگوی اسلامی امنیت اقتصادی زنان خانه‌دار» به اهتمام زهراسادات غمامی نگارش یافته است. هر یک از آثار فوق به قسمتی از بحث امنیت اقتصادی زن پرداخته‌اند، بنابراین وجه تمایز مقاله حاضر نسبت به آثار مشابه خود از این جهت است به طور کامل به بحث راهکارهای اسلام برای تأمین امنیت اقتصادی زن اشاره دقیق نموده است از این نظر می‌توان گفت اثر حاضر دارای نوآوری می‌باشد.

سوال اصلی این پژوهش را باید اینگونه مطرح نمود که اسلام برای تأمین امنیت اقتصادی زن چه راهکارهایی را در نظر گرفته است؟ هدف نگارنده در این اثر این است که با استفاده از روش توصیفی به بررسی راهکارهای اسلام برای تأمین امنیت اقتصادی زن بپردازد.

امنیت اقتصادی به معنای شرایطی است که در آن مخاطره در برآورده سازی نیازهای اقتصادی فرد به کمترین حد برسد. تأمین اقتصادی در رأس ضروریات بشر است تا حدی که پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «پروردگارا بین ملت ما و نان به معنای اقتصاد فاصله نینداز؛ چرا که اگر اقتصاد نبود نماز و روزه نمی‌خواندیم و سایر فرایض را نیز به جا نمی‌آوردیم»^۱

در فقه شیعه سه مبحث مجزا ولی مرتبط نفقه، مهریه و ارث در خصوص تعهدات مالی مرد در برابر همسر خویش وجود دارد که می‌تواند به عنوان ابزارهای تأمین اقتصادی زنان مورد بررسی قرار گیرد تا امکان و میزان استفاده از آن در نظام امنیت اقتصادی زنان مشخص شود.

مهریه

مهریه از امور با ارزشی است که از جانب زوج به همسرش داده می‌شود. زن پس از ازدواج مالک مهریه است و می‌تواند در آن هر گونه تصرفی انجام دهد. آیاتی در قرآن اشاره به پرداخت حقوق مالی زن (مهریه) دارد که با عناوین مختلفی همچون نحل و صدقه آمده است. «مهر نقد و جنسی است که در وقت نکاح بر ذمه مرد مقدر می‌کنند»^۲ برای مهر نام‌های دیگری نیز هست که عبارتند از: نحل و صداق.

نحل از نحل می‌آید به معنی عطاء، نحل بدان معنی است که چیزی از طیب نفس داده شود؛ بدون آن که مطالبه شود.^۳ به گفته‌ی برخی مفسرین کلمه‌ی نحل از نحل به معنای زنبور عسل است. چون زنبور عسل به مردم عسل می‌بخشد.^۴ چون در جاهلیت و بعضی اقوام مهریه زن را پدر یا بستگان می‌گرفتند.

خداوند در قرآن ابتدا نام گیرنده را برد و فرمود: «وآتوا النساء؛ مهریه را به خود زن بدهید»^۵ و فرمود: «وآتوا صدقات النساء؛ مهریه زنان را بپردازید» تا گیرنده هر که بتواند باشد. به هدیه هم نحل گفته می‌شود، بدین معنا که مهریه بهای زن نیست؛ بلکه هدیه‌ی مرد به همسرش می‌باشد. البته بعضی مفسران نحل را به معنای دین گرفته‌اند، یعنی مهریه دین و بدهی قطعی مرد است.^۶

یکی از تعبیر لطیف قرآن برای مهریه واژه «صداقاتهن» است بدین معنا که مهریه نرخ زن نیست، بلکه نشانه‌ی صداقت مرد در علاقه و دوستی به همسر است؛ صداق در اصل از صدق گرفته شده که دلالت بر قوتی می‌کند

۱- کلینی، کافی، ج ۶، ص ۳۷۸

۲- دهخدا، فرهنگ دهخدا، ج ۳، ص ۱۸۱

۳- همان، ص ۹۸۰

۴- طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۱۵

۵- سوره مبارکه نساء، آیه ۴

۶- قرآنی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۰

که در داخل شیء است چه از نظر قول و چه غیر قول. صداق زن از آن جهت که قوت و قدرت در آن است صداق نامیده می‌شود؛ چرا که آن قدرت، حقی است الزام‌آور.^۱ تعبیر لطیف صداق و نحله، نشان ادب و حیا در کلام الهی و نیز تکریم و تجلیل زنان و ناموس آنان است، تا کسی نپندارد امر مقدس ازدواج نوعی خرید و فروش است و زن خود را در ازای مهریه در اختیار شوهر می‌گذارد. بضع زن و ناموس مرد متعلق به خداست و در نکاح زن چیزی را به شوهر تملیک نمی‌کند تا مهر به عوض آن باشد.^۲

بنابراین مهریه را می‌توان چنین تعریف نمود: «در عقد ازدواج دائم، زوج باید چیزی را که دارای ارزش مالی باشد از مال و دارایی خویش به زوجه واگذار کند و این مقدار از مال و یا ملک که به زن داده می‌شود را مهر نامند؛ که در فارسی از آن به کابین تعبیر نمایند، خواه عین باشد مانند پول، خانه، طلا و نقره و خواه منفعت باشد و اگر زوج تعلیم صنعتی حلال و یا سوره‌ای از قرآن غیر از سوره حمد و سوره‌ی دیگری که تعلیم آن واجب باشد و یا تعلیم خود قرآن را مهر زوجه قرار دهد، صحیح خواهد بود.»^۳

مستندات مهریه در اسلام

در چندین آیه به مسئله مهریه پرداخته شده است:

- (۱) «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا؛ مهر زنان را به ایشان با خوش‌دلی بدهید و اگر به طیب خاطر خویش چیزی از آن را به شما نبخشیدند آن را نوشین و گوارا بخورید.»^۴
- (۲) «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدَرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ؛ بر شما گناهی نیست که زنانی را که با آنان نزدیکی نکرده و مهر نیز تعیین نکرده‌اید طلاق دهید، ولی آنان را به (عطیه‌ای) بهره‌مند سازید. (عطیه‌ای) که به وجه پسندیده بر عهده‌ی توانگر به اندازه توانش و بر تنگ دست نیز به اندازه توانش نهاده شده که بر نیکوکاران مقدر است.»^۵
- (۳) «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ طلاق رجعی دو بار است، پس از آن باید او را به نیکی نگاه داشت یا به نیکی رها کرد و بر شما روا نیست که از آنچه

۱- ابن زکریا، معجم مقایس اللغة، ص ۵۶۵

۲- جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱۷، ص ۳۰۵

۳- محقق، حقوق مدنی زوجین در زمان زناشویی دائم از دیدگاه قرآن، ص ۳۱۵

۴- سوره مبارکه نساء، آیه ۴

۵- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۳۶

به آنان بخشیده‌اید چیزی بازستانید، مگر آن که مبدا احکام الهی را مراعات نکنند، در چنین صورت زن هر چه از مهر خود به شوهر برای طلاق ببخشد؛ بر آنان روا باشد. این احکام حدود دین خداست از آن سرکشی نکنید و کسانی که از احکام خدا سرپیچی کنند، آن‌ها به حقیقت، خود ستمکارانند.^۱

۴) «وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و اگر زن‌هایی را طلاق دهید قبل از مباشرت با آن‌ها در صورتی که بر آنان مهر مقرر داشته‌اید بایستی نصف مهری را که تعیین شده به آن‌ها بدهید، مگر آن‌ها خود با کسی که امر نکاح به دست اوست از آن حق در گذرند و اگر در گذرید به تقوی و خداپرستی نزدیک‌تر است و فضیلت‌هایی که در بین است فراموش نکنید، بدانید که خداوند به هر کار نیک و بد شما آگاه است.^۲

۵) «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» و چگونه مهر آن‌ها را خواهید گرفت، در حالی که هر کسی به حق خود رسیده و آن زنان مهر را در مقابل عقد زوجیت و عهد محکم از شما گرفته‌اند.^۳

۶) «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا» اگر خواستید زن دیگری به جای همسر خود اختیار کنید و مال فراوانی به او دادید چیزی از آن بازپس نگیرید، آیا به وسیله‌ی تهمت مهر او را می‌گیرید؟ این گناهی آشکار است.^۴

۷) «وَالْمُطَلَّقَاتُ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» برای زنان مطلقه باید عطیه‌ای به صورت شایسته تعیین کرد که بر پرهیزگاران مقدر است.^۵

درباره مهریه احادیث فراوانی وجود دارد که برای مثال به چند مورد اشاره می‌شود:

۱) حضرت رسول (ص) فرمودند: «خداوند هنگامی که دنیا را خلق کرد، هنوز در آن طلا و نقره را نیافریده بود و زمانی که آدم و حوا به زمین هبوط کردند. طلا و نقره نیز به همراه آنان نازل شد و به صورت چشمه‌هایی برای استفاده اولاد آن‌ها که بعداً خواهند آمد، جریان یافت و خداوند آن چشمه‌های طلا و نقره را به عنوان صدق آدم برای حوا قرار داده پس سزاوار نیست کسی بدون صدق ازدواج کند.»^۶

۱- سوره مبارکه بقره، ۲۴۹

۲- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۳۷

۳- سوره مبارکه نساء، آیه ۲۱

۴- همان، آیه ۲۰

۵- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۴۱

۶- مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۵۴

در اسلام، زنان حق ارث دارند. قاعده کلی آن است که سهم ارث زن نصف سهم ارث مرد می‌باشد. مساله ارث زن در چند جهت مورد بحث قرار می‌گیرد: سهم ارث او به عنوان همسر یا به عنوان فرزند، یا به عنوان مادر. مذاهب اسلامی اتفاق دارند که زن به عنوان همسر در تمام طبقات با همه ورثه شریک می‌شود؛ اگر میت (شوهر) فرزند نداشته باشد، همسرش یک چهارم و اگر فرزند داشته باشد، یک هشتم ارث می‌برد. از نظر امامیه اگر زن به عنوان فرزند تنها فرزند خانواده باشد، تمامی اموال به او می‌رسد و اگر همه فرزندان متوفی دختر باشند، اموال به صورت مساوی بینشان تقسیم می‌گردد. ارث زن به عنوان مادر به صورت متفاوت تقسیم‌بندی می‌شود برای مثال:

الف) امامیه گفته‌اند، اگر میت غیر از مادر وارثی نداشته باشد، یک سوم مال را بالفرض و بقیه را بالرد به ارث می‌برد. اما دیگر مذاهب اسلامی قائلند مادر تمام مال را به ارث نمی‌برد مگر با نبودن تمام صاحبان فرض و عصبه، یعنی نه پدر و جد پدری، نه فرزند و اولادش، نه برادر و خواهر و اولادش، نه اجداد، نه عمو و اولادش وجود داشته باشند.^۱

ب) اگر میت، فقط مادر و همسری داشته باشد، مادر سه چهارم ترکه را می‌برد؛ یک سوم را بالفرض و باقی را بالرد.

ج) اگر وراثت میت مادر او و شوهرش باشند، مادر نصف ترکه را ارث می‌برد؛ یک سوم را بالفرض و باقی را بالرد.^۲

۱- مغنیه، فقه در مذاهب پنج‌گانه، ج ۲، ص ۳۸۸

۲- همان، ۳۳۸

مستندات حکم ارث زنان در اسلام

در قرآن آیات صریحی مبنی بر حق ارث برای زنان وجود دارد:

در آیه ۷ سوره نساء به اصل ارث‌بری زنان اشاره شده است: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا؛ برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود به جا می‌گذارند سهمی است. برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان به جا می‌گذارند سهمی است؛ خواه آن مال کم باشد یا زیاده.»

مقدار ارث زن نیز از آیه ۱۱ سوره نساء استفاده می‌شود: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ؛ خداوند به شما درباره فرزندانان سفارش می‌کند که از میراث برای پسران دو برابر سهم دختران قائل شوید.» قرآن کریم درباره ارث زوجه به هنگام مرگ زوج در آیه ۱۲ سوره نساء می‌فرماید: «وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ؛ و اگر فرزندی نداشته باشید، پس از انجام وصیت و پرداخت دیون، یک چهارم میراثتان از آن زنانان است و اگر دارای فرزند بودید، یک هشتم ترکه متعلق به آن‌هاست.»

درباره ارث مادر نیز در آیه ۱۱ سوره نساء آمده است: «وَلِلْأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ؛ اگر متوفی فرزندی داشته باشد هر یک از پدر و مادر یک ششم میراث می‌برند و اگر فرزندی نداشته باشد و وارثان تنها پدر و مادر باشند، مادر یک سوم دارایی را می‌برد، اما اگر برادرانی داشته باشد سهم مادر پس از انجام وصیت متوفی و پرداخت دیونش، یک ششم است.»

درباره ارث خواهر دو آیه وجود دارد:

الف) «وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ؛ اگر مردی از دنیا برود، خواهر یا برادر از او ارث می‌برند یا زنی از دنیا برود و برادر و خواهری داشته باشد، هر یک از آن‌ها یک ششم ترکه را به ارث می‌برند.»^۱

در آیه مذکور مقصود خواهران و برادران مادری است و در آیه ۱۷۶ از همان سوره درباره خواهران و برادران ابوی می‌گوید: «يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ

۱- سوره مبارکه نساء، آیه ۱۲

حَظَّ الْإِنْسَانُ يَبِينُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ از تو (درباره خواهران و برادران) سؤال می‌کنند. بگو: خداوند حکم کلاله (خواهران و برادران) را برای شما بیان می‌کند که هرگاه کسی بمیرد و فرزند نداشته و او را خواهری باشد وی را نصف ترکه است و او نیز از خواهر ارث می‌برد، اگر خواهر را فرزند نباشد و اگر میت را دو خواهر باشد آن‌ها را دو ثلث ترکه است و اگر میت را چندین برادر و خواهر است در این صورت ذکور در برابر اناث ارث می‌برند. خدا احکام را بیان می‌کند که مبدا گمراه شوید و خدا به همه مصالح خلق داناست.»

نتیجه‌گیری

ادیان توحیدی و از جمله اسلام راهکارهایی برای حفظ امنیت اقتصادی زنان و حفظ آرامش آنان در خانواده قرار داده است. این راهکارها شامل وجوب مهریه برای زنان، وجوب نفقه و ارث‌بری زنان از همسران خویش است. مهریه از مواردی است که مرد مسلمان می‌بایست به همسر خود پرداخت نماید؛ زمان پرداخت مهریه به عنوان دین بر ذمه‌ی زوج بوده و به هنگام مطالبه زن باید آن را بپردازد.

مرد می‌تواند در موارد نادری به زن مهریه نپردازد؛ برای مثال اگر پس از عقد ازدواج مشخص شود زن دارای عیبی است که مانع نزدیکی می‌شود؛ در این حالت مرد می‌تواند عقد را فسخ کرده و چنان که قبل از دخول باشد، به زن مهریه نپردازد.

اسلام وجوب نفقه را بر عهده مرد گذاشته و مردان موظفند خوراک و پوشاک و مایحتاج متعارف همسرانشان را تأمین کنند. میزان نفقه به امکانات مادی و وسعت زندگی زوج بستگی دارد. همچنین درکار کردن زن برای تأمین معاش خانواده وجهی ندارد.

اسلام برخلاف دیگر ادیان ابراهیمی برای زنان در احکام ارث وسعت بیشتری قائل شده است؛ چرا که اسلام زوج و زوجه را در ارث با تمام طبقات جمع می‌کند.

منابع و ماخذ

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

- ۱) ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳
- ۲) ابن زکریا، احمد بن فارس، معجم مقایس اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲
- ۳) جبعی عاملی، زین الدین، الروضه البهیة فی شرح اللمعة، قم: انتشارات ارغوان، چاپ دوم، ۱۳۸۴
- ۴) جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶
- ۵) جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: انتشارات اسراء، چاپ سوم، ۱۳۹۰
- ۶) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامیة، چاپ پنجم، ۱۳۹۸
- ۷) حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، تهران: موسسه فرهنگی آرایه، چاپ سوم، ۱۳۷۹
- ۸) حسینی، محمد، فرهنگ لغات و اصلاحات فقهی، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۵
- ۹) دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۴۵
- ۱۰) طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۸۹
- ۱۱) طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، تهران: انتشارات فراهانی، چاپ اول، بی تا
- ۱۲) قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸
- ۱۳) کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷
- ۱۴) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامیة، ۱۳۹۹
- ۱۵) محقق، محمدباقر، حقوق مدنی زوجین در زمان زناشویی دائم از دیدگاه قرآن، بی جا، بنیاد قرآن، چاپ سوم، ۱۳۶۰
- ۱۶) معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۳
- ۱۷) مغنیه، محمدجواد، فقه در مذاهب پنج‌گانه، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامیة، چاپ پنجم، ۱۴۲۹
- ۱۸) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامیة، چاپ دهم، ۱۳۷۱
- ۱۹) نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴
- ۲۰) وحیدی، احکام خانواده،
- ۲۱) هاشمی شاهرودی، محمود، فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بیت(ع)، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۵